

تربیت در نهج البلاغه

است. وَالزُّمُوۡا السَّوَادَ الْاَعْظَمَ، فَاِنَّ يَدَاللهِ عَلٰى الْجَمَاعَةِ^۱ و هم فرمود: وَاشْكُنِ الْاَنْصَارَ الْاَعْظَامَ فَاِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِيْنَ^۲ شهرهای بزرگتر را برای زندگی برگزین، زیرا اجماع مسلمانان در آن شهرها هستند و آدمی می‌تواند از آنان معلوم و معارف بیاموزد و موجبات رشد خود را فراهم آورد.^۳

امام در عین حال سفارش کرد که از زندگی در اماکن و مناطقی که زمینه غفلت و فراموشی از یاد خدا و ستم‌کاری به خویان و نیکان است و طاعت و بندگی خدا در آن محیط کم‌تر انجام می‌شود، بپرهیز. وَاحْذَرُ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَالْبَحْءِ وَقِلَّةِ السَّاعُوَانِ عَلٰى طَاعَةِ اللهِ^۴

مقاصد و تکیه‌گاه‌ها:

از مقاصد مهم در زندگی، بر اساس دید امام در نهج‌البلاغه، تن دادن به کار است، کاری که شایسته و صالح باشد، در بین ابعاد آن وحدت و یگانگی

دکتر علی قائمی

اهداف در عمل

مقدمه

آدمی ناگزیر جایی را برای زندگی بر می‌گزیند و در آن مکان به ادامه حیات می‌پردازد. اما برای فعالیت و عمل آسان در زندگی، در گزینش مکان آن نیز باید فکر و اندیشه‌ای را به کار گیرد و در جایی خانه برگزیند که در آن افرادی صالح و پاک سرگرم زندگی باشند که امام فرمود: سَلِّ ... وَ عَنِ الْبَجَارِ قَبْلَ الدَّارِ^۱ قبل از تهیه و خرید خانه از شرایط همسایه آن بپرس.

امام سفارش کرد که برای زندگی خود مناطق بزرگ‌تر و وسیع‌تر و شهر یا روستایی پرجمعیت را برگزین که دست قدرت و عنایت با جماعت

وجود داشته باشد و بر ارزش‌هایی که امام بدان‌ها اشاره دارد مبتنی باشد. سفارش دیگر امام در مورد کار این است که برخوردار از اتقان، صحت، استواری و به دور از ریا باشد. بحث ما در این قسمت به عمل و ابعاد آن مربوط است.

در آیند.
امام همه زندگی را در کار و تلاش خلاصه می‌بیند. چنان است که گویی لحظه‌ای از اوقات آدمی نباید به بیهودگی و بی‌کاری بگذرد. او در توصیه‌اش فرماید:

الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ. عمل، عمل،

پس از آن هدف، هدف.

وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ. و نیز استقامت، استقامت.
ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَ الْوَرَعُ الْوَرَعُ. سپس صبر و صبر و پارسایی و پارسایی.

إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَأَنْتَهُوا إِلَى نَهَائِكُمْ. بی‌گمان هر یک از شما را سرانجامی است. پس راه خویش را به پایان برید.

وَ إِنَّ لَكُمْ عَلَمًا فَاهْتَدُوا بِعَلَمِكُمْ. بی‌تردید در این راه شما را پرچمی است. از پرچم خویش هدایت جوئید.

۱- توصیه به عمل: امام در نهج البلاغه، در مورد گذران زندگی تکیه بر عمل دارد. در این عرصه به نکاتی بر می‌خوریم که نمونه‌هایی از آن بدین قرار است:

فَبَادِرُوا الْعَمَلَ، وَ خَافُوا بَغْتَةَ الْأَجَلِ. فرصت عمل را دریابید و از سر رسیدن ناگهانی اجل بهراسید.

فَأِنَّهُ لَا يُرْجَى مِنَ رَجْعَةِ الْمُرِّ مَا يُرْجَى مِنَ رَجْعَةِ الرُّزْقِ.^۵ روزی از دست رفته را می‌توان امید بازگشت داشت، اما بازگشت عمر را امید نیست.

او در عبارتی رساتر فرماید:

فَاعْمَلُوا وَ أَنْتُمْ فِي نَفْسِ الْبَقَاءِ. اینک که در فراخنای زندگی هستید کار کنید.

وَالصُّحُفُ مَنْشُورَةٌ، پرونده‌های عملتان گشوده است.

وَالْتَّوْبَةُ مَبْسُوطَةٌ. درهای توبه باز است.
وَالْمُذْبِرُ يُدْعَى. کسانی که به حق پشت کرده‌اند مدام فراخوانده می‌شوند.

وَالْمَسِيءُ يُرْجَى. بدکاران را در این دنیا جای امیدواری هست.

قَبْلَ أَنْ يَخْتَمَدَ الْعَمَلُ. پیش از این‌که فروغ عمل به خاموشی گراید.

وَ يَنْقَطِعُ الْمَهْلُ. و مهلت‌ها به پایان و نهایت خود رسد.

وَ يَنْقَضِي الْأَجَلُ. و اجل آدمی سر رسد.

وَ يُسَدُّ بَابُ التَّوْبَةِ. و باب توبه بسته شود.

وَ تَصْعَدُ الْمَلَائِكَةُ. و فرشتگان خدا به پرواز

۲- عمل قبل از اجل: آدمی همانند همه آفریده‌های خداوندی پدیده‌ای تاریخ‌دار است و به هنگامی که سر رسید آن فرارسد او را در سیر به سوی مقصد گزیری نخواهد بود. قرآن کریم فرماید: إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَفْتِدُونَ.^۸ و بدین‌سان ساعات و دقیقاتی که امروز در اختیار ماست زمان مهلت‌داری است و از



عمل، آدمی را به سوی مقام قرب سوق داده، او را همانند همسایه‌ای برای خداوند قرار می‌دهد.
فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِبْرِائِلَ اللَّهِ
 فی داوره به کارهای نیکو همت گمارید تا با نیکوکاران که همسان همسایگان خدایند در سرای او باشید (بهشت).

وَأَقْرَبَهُمْ رُسُلَهُ. همان خانه‌ای که خدای پیامبرانش را با آنان آشنا ساخت.
وَ أَزَارَهُمْ مَلَائِكَتُهُ. و فرشتگانش را فرمان داد به دیدار آنان روند.

وَأَكْرَمَ أَسْمَاعَهُمْ أَنْ تَسْمَعَ حَسِيسَ نَارٍ أَبَدًا. و گوش‌هایشان را از این که آواز عذاب در آتش دوزخ را بشنوند دور و گرامی داشت.

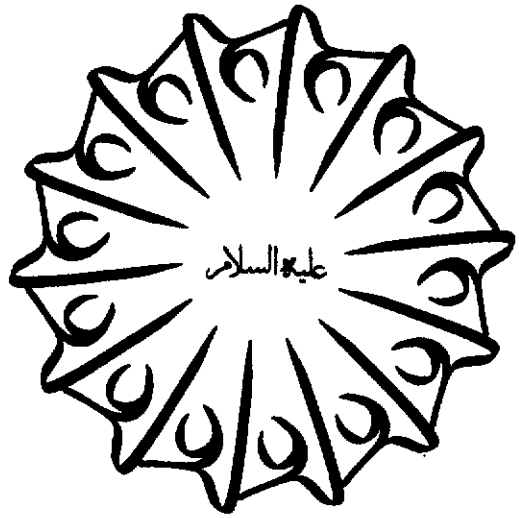
وَصَانَ أَجْسَادَهُمْ أَنْ تَلْفَى لُغُوبًا وَ نَصَبًا. و اندامشان را از تحمل سختی‌ها و رنج قیامت دور و برکنار داشت.

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.^{۱۱} و چنین وضعی حاصل جود و احسان خداوند است که به هر که بخواهد عطا کند. و خدای صاحب احسانی بزرگ است.

۴- تکیه به عمل خیر: این که چگونه عملی را انجام دهیم، امام در ضمن بیانات متعددی تأکید به عمل خیر و شایسته دارد. او فرماید:
إِفْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا. کار خیر را انجام دهید و آن را به هیچ صورتی کوچک بشمارید.

فَإِنَّ صَغِيرَةً كَبِيرٌ. زیرا عمل خیر هر چند کوچک به نظر آید در نزد خداوند بزرگ است.
وَقَلِيلَةٌ كَثِيرٌ^{۱۲} و میزان آن هر چند اندک باشد، بسیار خواهد بود.

آن عملی از دید امام خیر و نیکوست که صالح بوده، صلاحیت آن مورد تأیید قرآن و سنت باشد.



آن باید بهره‌ای درخور گرفت. امام فرماید:

فَلْيَمْتَلِ الْعَامِلُ مِنْكُمْ فِي أَيَّامٍ مَهْلِهِ قَبْلَ إِزْهَاقِ أَجَلِهِ. پس هر کس از شما که کارآمد است، تا اجل نناخته تن به کار و تلاش دهد.

وَ فِي فَرَاغِهِ قَبْلَ أَوَانِ شُغْلِهِ. در فرصت فراغت، پیش از اشتغال بکوشد.

وَ فِي مَتْنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤَخَّذَ بِكَفْمِهِ. و پیش از آن که چنگال‌های مرگ گلویش را بفشرد، کوشش نماید.

وَلْيَمَهِّدْ لِنَفْسِهِ وَ قَدَمِهِ. و پذیرایی خویش را در سرباری دیگر اینک تدارک ببیند.

وَلْيَتَزَوَّذْ مِنْ دَارِ ظَعْنِهِ لِإِدَارِ إِقَامَتِهِ.^۹ از سرای کوچش برای سرای ماندگار توشه بگیرد.

۳- توجه به اوزش عمل: نشانه هستی و حیات کار و تلاش است و آن کس که حرکت و فعالیتی ندارد به واقع مرده و یا چون پدیده‌ای جامد است. امام در مورد عمل ارزش و بهایی قائل است و آن را مایه رفعت آدمی ذکر می‌کند: **فَاعْمَلُوا وَالْعَمَلُ يُرْفَعُ**^{۱۱}

سازد، با این ذکر که تو هرگاه بخواهی می‌توانی انجامش دهی. **آخِرُ الشَّرِّ، فَإِنَّكَ إِذَا شِئْتَ تَجَلَّتَهُ.**^{۱۷} او در جهت پرهیز دادن از عمل شرّ هشداری تهدیدآمیز را مطرح می‌سازد که آن شرمساری از عمل ناصواب و فرارسیدن مرگ است. به این سخن امام عنایت شود: **فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يُدْرِكَكَ وَأَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ.** از مرگ بر حذر باش و بترس از آن که مرگ تو را دریابد و تو در حال گناه باشی.

قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالْتَّوْبَةِ فَيَحُولُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ذَلِكَ.^{۱۸} به خود وعده می‌دادی که توبه خواهم کرد، ولی مرگ بین تو و اندیشه‌ات جدایی افکند.

فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ.^{۱۹} در چنان صورتی خود را به هلاک افکنده باشی.

۶- وحدت در قیول و عمل: از نشانه‌های سلامت و اعتدال آدمی این است که بین قول و فعل، رغبت و عملش وحدت است. هیچ بعدی از وجود بعد دیگر او را خستی نمی‌سازد. او چیزی را می‌گوید که بدان عمل می‌کند و کاری را انجام می‌دهد که مورد باور اوست. امام را در این مورد سفارشی است در خور عنایت. او فرماید:

وَ اخْذُ كُلِّ عَمَلٍ إِذَا سُئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَهُ أَوْ اِهْتَدَى مِنْهُ.^{۲۰} و پرهیز از هر کاری که چون کننده‌اش باز جویی شود انکارش کند و یا پوزش بخواهد. هم چنین او در سفارش دیگری فرماید: **لَا تَكُنْ مِمَّنْ... يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الرَّاهِدِينَ وَ يَمْعَلُ فِيهَا بِمَعْمَلِ الرَّاهِبِينَ.**^{۲۱} جزء کسانی مباش که در دنیا با زبان و لحن زاهدان سخن می‌گویند ولی عمل آن‌ها عمل دنیاپرستان و یا دلداه‌های به دنیاست. و سفارش این است که عمل بر اساس کتاب خدا و سیره رسول او و بر مبنای قیام به حق

اگر چنین عملی از مسلمان سرزند به عنوان بهترین ذخیره به حساب خواهد آمد. امام به والی گران‌قدرش سفارش دارد: **فَلْيَكُنْ أَحَبُّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.**^{۱۳} محبوب‌ترین ذخایر و پس‌اندازها برای تو باید ذخیره عمل صالح باشد. سفارش وی چنین است: **وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ.**^{۱۴} به هنگامی که عمل خیری را دیدید بدان اقدام کنید. از خصلت‌های بندگان محبوب خدا این است که: **لَا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أَمَّهَا، وَ لَا مَظِنَّةَ إِلَّا قَصَدَهَا.**^{۱۵} هیچ هدف خیری نیست، جز آن که او آهنگ آن را دارد، و هیچ اقدام مثبتی نیست جز آن که او به سوی آن روان است.

۵- پرهیز از عمل شرّ: در مسأله عمل این نکته مطرح است که باید از آنچه شرّ، زشتی و پلیدی است دوری گزید. طبیعی است که شرّ آن چیزی است که قرآن و سنت آن را شر بدانند و فهرستی از آن گونه اعمال در کتاب‌های اخلاقی بروز و حضور دارند.

امام در سفارش خود فرماید: **وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ.**^{۱۶} به هنگامی که با عمل زشت و ناصوابی مواجه شدید از آن اعراض نمایید. و هم او از قیول رسول خدا (ص) نقل می‌کند که می‌فرمود: **يَابْنَ آدَمَ، اِعْمَلِ الْخَيْرَ، وَ دَعِ الشَّرَّ، فَإِذَا أَنْتَ جَوَادٌ قَاصِدٌ.** ای فرزند آدم، تن به عمل خیر ده و شرّ را فروگذار که تنها در چنان صورت است که رهروی متعادل خواهی بود.

در مواردی آدمی در خط و سواس و تردید، و یا میل و رغبت به سوی عملی است که صواب آن مورد تأیید نیست و شرّ به حساب می‌آید. امام برای چنان وضع و صورتی آدمی را به خویش‌داری در برابر آن سفارش دارد و توصیه او این است که آن را به تأخیر و دچار مرور زمان

باشد: وَ لَكُمْ عَلَيْنَا التَّمَلُّ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سِيَرِهِ
رَسُولِ اللَّهِ وَ الْقِيَامِ بِحَقِّهِ.^{۲۲}

عَلَى عَلَى

۷- مراقبت های دیگر: چه بسیارند مراقبت های دیگری که در عرصه عمل در خور ذکر و در باب هدف تربیت در زندگی قابل عرضه اند و ما برای رعایت اختصار به حذف یا تنها ارائه فهرست آن ها ناگزیریم.

- پرهیز از ریا: عمل باید از ریا و نام جویی به دور باشد زیرا آن کس که برای غیر خدا کار کند خداوند او را به همان کسانی واگذارد که برای او عمل کرده است. وَاعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَ لَا سُمْعَةٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِعَمَلٍ اللَّهُ يَكْفُلْهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ.^{۲۳}

- دوری از عمل شرم آور: امام فرماید از عملی که آدمی از انجام دادنش در آشکار حیا می کند بپرهیز. وَ اخَذَ كُلَّ عَمَلٍ يَعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ.

- عمل برای پاداش اخروی باشد: وَقُولُوا بِالْحَقِّ، وَاعْمَلُوا لِلْآخِرِ.^{۲۴}

- عمل با اندیشه حساب پس دهی آن باشد: طَوْبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحَسَابِ.^{۲۵}

- بر اساس اعلام و نشانه های آشکار خدا باید کار کرد: إِعْمَلُوا وَ حِمَّكُمْ اللَّهُ عَلَى أَعْلَامٍ بَيِّنَةٍ.^{۲۶}

- و بالاخره فراموش نباید کرد که امروز روز عمل است و در آن حساب کشی و بازخواستی نیست ولی فردای قیامت روز حساب رسی است و در آن عملی میسر نخواهد بود: وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابٌ وَ عَدَا حِسَابٍ وَ لَا عَمَلٍ.^{۲۷}

پی نوشت ها:

۱- نامه ۳۱، قسمت ۶۱

۲- خطبه ۱۲۷، قسمت ۵

۳- نامه ۶۹، قسمت ۶

۴- همان

۵- خطبه ۱۱۳، قسمت ۲۱

۶- خطبه ۲۳۷

۷- خطبه ۱۷۵، قسمت ۱۲

۸- آیه ۴۹ سوره یونس

۹- خطبه ۸۵، قسمت ۲

۱۰- خطبه ۲۲۱

۱۱- خطبه ۱۸۲، قسمت ۲۰

۱۲- قصار ۴۱۴

۱۳- نامه ۵۳، قسمت ۵

۱۴- خطبه ۱۶۶

۱۵- خطبه ۸۶

۱۶- خطبه ۱۶۶، قسمت ۶

۱۷- خطبه ۱۷۵، قسمت ۲۳

۱۸- نامه ۳۱

۱۹- همان، قسمت ۳۹

۲۰- نامه ۶۹

۲۱- قصار ۱۴۲

۲۲- خطبه ۱۶۸

۲۳- خطبه ۲۳، قسمت ۵

۲۴- نامه ۴۷

۲۵- از کلمات قصار امام

۲۶- خطبه ۹۳

۲۷- خطبه ۴۲